



صمد، نویسنده‌ای جریان‌ساز

شهریور یادآور سال‌مرک صمد بهرنگی
نویسنده از زشمند ادبیات کودکان و خالق ماهی سیاه کوچولو، پادشاه گرامی

روح... مهدی پور عمرانی

تفاوتی که صمد بهرنگی با جبار باغچه بان و آذریزدی دارد، در پایه ریزی سبک رئالیسم در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است.

صمد با نوشتن کتاب «کند و کاو در مسایل تربیتی ایران» و مقالاتی که در زمینه ادبیات به طور کلی و ادبیات حوزه‌ی کودک و نوجوان، نوشت، قالب‌های سنتی و کهن و روحیه‌ی محافظه‌کاری حاکم بر این حوزه‌ها را شکست و راه نویی را در پیش گرفت و پیش پای دیگران قرار داد.

بنیان‌گذاران ادبیات کودک و نوجوان در ایران، هیچ‌گاه سعی نکرده‌اند اجتماعیات را آن‌گونه که صمد وارد ادبیات داستانی کرده، به جهان داستان هایشان وارد کنند کار ویژه‌ای که صمد در دوره خود انجام داده، جسارتی انقلابی در شکستن پوسته‌های ظاهری و روزمرگی و تکرار متن‌های تفننی است. سراسر داستان «ماهی سیاه کوچولو» حرکت‌های دگرگونی‌خواه و رادیکال اجتماعی است. کاری که بعضی از منتقدان از آن به عنوان ورود عناصر سیاسی در داستان یاد کرده‌اند. سیاسی قلمداد نمودن این گونه داستان‌ها (ماهی سیاه کوچولو، ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، الدوز و کلاغ‌ها، الدوز و عروسک سخنگو، یک هلو هزار هلو و...) تحلیل دقیقی نیست.

شکی نیست که صمد دارای بینش سیاسی بوده و تحت تاثیر زندگی و روابط خانوادگی با بعضی از چهره‌های مبارز و انقلابی مانند «نابدل» و «بهرز تریزی (دهقانی)» قرار داشت ولی از آن‌جا که هر حرکتی در جوامع تحت ستم و استبدادی، به نوعی انگ سیاست به خود می‌گیرد، جنبه‌ها و رویکردهای اجتماعی و کنش‌های مبتنی بر مقاومت شخصیت داستان هایش، صبغه‌ای سیاسی می‌یابد.

اگر تحلیل این منتقدان مبنی بر سیاسی

گره خوردگی باور اجتماعی‌اش با حرکت و تغییری اجتماعی که با فاصله‌ای بسیار کم از زمان مرگش روی داد، به یکی از نویسندگان پرچالش و مناقشه‌انگیز تبدیل شد. به گونه‌ای که برخی از منتقدان به ظاهری طرف و خرد مدار هم در جریان نوشتن نقدی متدیک (Methodic) در پیشگفتاری پُر اطناب، بیشتر جانب مباحث مناقشه‌انگیز و توهم زارا گرفته، نقد را به بیانیه‌ای سیاسی تبدیل می‌کنند. صمد بهرنگی هر چه که بوده و هر طرز تفکری که داشته، یک واقعیت مستقل و واقعاً موجود در تاریخ ادبیات معاصر ایران به شمار می‌آید.

نویسندگان کتاب «صمد، ساختار یک اسطوره» در جایی از نقدشان اشاره می‌کنند که

صمد با نوشتن کتاب «کند و کاو در مسایل تربیتی ایران» و مقالاتی که در زمینه ادبیات به طور کلی و ادبیات حوزه‌ی کودک و نوجوان، نوشت، قالب‌های سنتی و کهن و روحیه‌ی محافظه‌کاری حاکم بر این حوزه‌ها را شکست

وقتی پس از سال‌ها در محاق ماندن و ممانعت از تجدید چاپ کتاب‌های صمد، تیراژهای معمولی و دو، سه هزار تایی کتاب‌ها با فروش و استقبال دلخواه کودکان و نوجوانان روبه‌رو نشده است. و البته این وضعیت را برای کم‌اهمیت جلوه دادن کارهای خلاقانه‌ی صمد در عرصه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان، اقامه‌ی دلیل می‌کنند. آن‌ها از یک مطلب و موضوع بسیار مهم غافل‌اند و آن پیشگامی و جریان‌سازی صمد بهرنگی است.

این به معنای انکار بنیان‌گذاران ادبیات کودک و نوجوان در ایران معاصر نیست.

بدون شک در دو دهه‌ی گذشته، کتاب‌ها، مقاله‌ها و نقدهای فراوانی درباره‌ی صمد بهرنگی و آثارش، نوشته و چاپ شده است. تمامی آن‌چه که درباره‌ی صمد و کتاب هایش به رشته‌ی تحریر درآمده، لزوماً جنبه‌های تأییدی و جانبدارانه ندارند. یکی از این نقدها و کتاب‌ها که رویکردی انتقادی و شخصیت‌شکنانه دارد، کتاب «صمد، آن‌گونه که بود» نام دارد. نویسنده‌ی این کتاب می‌کوشد صمد را فاقد خلاقیت دانسته و به سلامت داستان هایش به دیده‌ی تردید نگاه کند. مؤلف این کتاب در رفتارهای شفاهی خود نیز دست از عناد با صمد برنداشته است از جمله در سال ۱۳۷۴ در جلسه‌ی نقد رمان یکی از نویسندگان جوان، زمانی که از نویسنده‌ی جوان پرسید که تحت تاثیر چه کسی به نوشتن روی آورده است و نویسنده جواب داد که بیشتر تحت تاثیر نوشته‌های صمد بهرنگی بوده، ابراز تاسف کرد.

حتی برخی از منتقدان منصف و میانه، در مقاله‌های خود -البته به نام دفاع- خیلی بد، به دفاع از صمد برخاسته‌اند.

علت این رفتارها در جانبداری‌های ایدئولوژیک نهفته است. خواه آن‌ها که با سمپاتی خود، کوچک‌ترین خُرده‌ای در نوشته‌های صمد نمی‌بینند و چه آن‌ها که با عینک و مرزبندی ایدئولوژیک و اعتقادی، این خُرده‌ها را بزرگ‌نمایی می‌کنند. در حالی که «هم این خطاست هم آن» شان منتقد و نقد-آن هم از نوع ادبی‌اش - حکم می‌کند که کلیه‌ی جواب انصاف، بی‌غرضی، صداقت و امانت‌داری به متن و مفاهیم مورد استفاده از آن، رعایت شود. تنها در این صورت است که خوانندگان به دنیای حقیقی و راستین اندیشه‌های یک نویسنده، نزدیک خواهند شد. صمد بهرنگی به دلیل مشی انقلابی‌اش و





نویسی صمد، درست باشد، نتیجه‌اش همان است که با تغییر اوضاع سیاسی و نیروهای حاکم و پس از دو، سه دهه، امروز داستان هایش آن گونه که باید مخاطب نداشته باشد! اکثر آثاری که عناصر سیاسی در آن‌ها پررنگ و برجسته باشند معمولاً محدود به زمان‌اند. تنها ادبیات و آثار اجتماعی‌اند که تاریخ مصرف ندارند. البته این قلم هیچ یک از داستان‌های صمد را سیاسی نمی‌داند. به عنوان نمونه پیام اصلی در داستان ماهی سیاه کوچولو، یافتن راه حل‌رهای از جهل و نادانی است که از راه آزاداندیشی و جسارت و شهامت سؤال طرح کردن و از پیله‌ی خود بیرون آمدن است. در داستان دوگانه‌ی «الدوز و...» نویسنده، ضمن بیان دردها و مشکلات خانواده‌های پایین اجتماع، باورداشت‌های غیر علمی را به انتقاد می‌کشاند. ستم ستیزی، فقرنگاری، نیز از مؤلفه‌های دیگر ادبیات صمد به شمار می‌روند. در مجموع، وزن اجتماعی نویسی در آثار صمد بیشتر است.

صمد آغاز راهی تازه

یک بار دیگر به نقش صمد بهرنگی در خلق و آفرینش ادبیات رئالیستی برمی‌گردیم. گفتیم که هنر اصلی صمد در جریان سازی ادبی و نظریه پردازی خلاصه می‌شود. تا پیش از او کسی در زمینه‌ی ادبیات کودک و نوجوان کار دقیق و علمی انجام نداده بود. صمد با نوشتن کتاب «شش مقاله درباره‌ی شناخت و تاریخ» کوشید ذهن کودکان و نوجوانان را از رسوبات آموزش رسمی و تحریف شده از تاریخ و بینش و دانش اجتماعی، پاک کند. او کتاب «کند و کاو در مسایل تربیتی ایران» را خطاب به نویسندگان، شاعران، معلمان و هنرمندان نوشت و ریشه‌های غفلت از دنیای کودکان و نوجوانان و عدم ارتباط پدید آورندگان آثار ادبی و هنری را با این قشر از جمعیت کشور به درستی نشان داد. دلیل درستی این سخن، ظهور و حضور نویسندگان آوانگارد در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان است.

به فاصله‌ای کسانی مانند علی اشرف

آوردند. درویشیان، داریوش عباداللهی، مرضیه احمدی، اسکویی، نسیم خاکسار، مرتضی رضوان، قدسی قاضی نور، منصور یاقوتی، فرخ صادقی و ده‌ها نویسنده شاعر، کمر همت بستند و آثار جدید فراوانی خلق کرده‌اند. شاید شخصیت هم سنگ صمد - تا هنوز - در زمینه‌ی ادبیات کودک و نوجوان در ایران پدید نیامده است. هنوز هم در روزگار ما، تاثیرات مثبت صمد بهرنگی و نگاه و نغمه‌ی او در بعضی از داستان‌های داستان نویسان امروز، محسوس و ملموس است. جریان سازی ادبی که به دست صمد در دنیای ادبیات کودک و نوجوان صورت گرفته، هم وزن و هم سنگ کار انقلابی است که نیما یوشیج در شعر مشروطه انجام داده است. صمد هم، مانند نیما، آب در خوابگاه مورچگان! ریخته و داستان کودکان و نوجوانان را از روی و روایت قصوی و افسانه‌ای بیرون آورده و دامنه مخاطب‌شناسی و جنبه‌های تخاطبی داستان هایش را گسترش داده است به گونه‌ای که برخی از منتقدان و داستان‌شناسان، او را نه تنها دوگانه نویس بلکه چند گانه نویسی یگانه به حساب

نقش برجسته‌ی صمد در ادبیات حوزه‌ی کودک و نوجوان، در پیشگامی و جریان سازی او نمودار می‌شود. مرگ ناروشن او به اسطوره گوی شخصیت اجتماعی و ادبی اش دامن زد و سبب شد که از یک سو دستارانش و پیروان سبک هنری و ادبی اش، در او به دیده‌ی یک مسیح، یک سوشیانت، یک اسطوره نگاه کنند و از سوی دیگر مخالفان در سیمای او نویسنده‌ای مقلد، آنارشیزست و حتی پوچ گرا ببینند. مهم‌تر از این دو گروه، بعضی از جریان‌ات سیاسی‌اند که پس از مرگ صمد، به دنبال گدھا و نشانه‌هایی بودند تا او را به خود منتسب کنند. اما صمد را باید برتر و بالاتر از همه‌ی این دسته بندی‌ها جای داد. حقیقت این است که سهم او در ادبیات ایران به ویژه در ادبیات کودک و نوجوان، سهمی واقعی و انکارناپذیر است. زیرا نام صمد بهرنگی با نام ادبیات کودکان و نوجوانان گره خورده است. یادش جاودان و راهش پرهرو باد.